

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2025; 17: e6

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Investigation of Health and Hygiene Conditions in Prisons during the Qajar Era

Fatemeh Ahmadvand^{1*}, Akbar Heidari¹, Eftekhar Ghasemzadeh¹

1. Department of History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Public health and healthcare developments during the Qajar era are among the significant topics in the social history of this period. This study aimed to investigate the state of public health and healthcare services in Qajar-era prisons.

Methods: This descriptive-analytical research utilized primary documents, travelogues and recent studies to examine hygiene and healthcare conditions in Qajar-era prisons.

Ethical Considerations: Throughout the study, principles of academic integrity including trustworthiness, citation accuracy, source originality and impartiality in data analysis were strictly adhered to.

Results: The findings revealed that prison locations and sanitary standards were largely neglected by the Qajar government. Prisons primarily served as tools for torture, punishment and retribution, with rehabilitation and hygiene considerations deemed irrelevant. High mortality rates among prisoners stemmed from inadequate sanitation, overcrowded and pest-infested environments (e.g., lice and rodents) and a lack of healthcare access. These dire conditions even provided a sense of "peace of mind" for wardens tasked with tormenting inmates. Travelogues documented prisoners enduring years of deplorable conditions, deprived of basic amenities such as grooming, which led to the spread of diseases within their families upon release.

Conclusion: The study underscores the severe deficiency or complete absence of public health infrastructure and healthcare services in Qajar prisons. While personal hygiene was practiced in society due to religious norms, the absence of prison baths, infestations of pests and rampant disease outbreaks exacerbated the squalid conditions. Historical records and travelogues corroborate widespread illness among prisoners and the government's indifference to substantive reforms, even in the late Qajar period.

Keywords: Public Health; Health; Prisons; Qajar Era

Corresponding Author: Fatemeh Ahmadvand; **Email:** ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir

Received: September 07, 2024; **Accepted:** February 09, 2025; **Published Online:** May 22, 2025

Please cite this article as:

Ahmadvand F, Heidari A, Ghasemzadeh E. Investigation of Health and Hygiene Conditions in Prisons during the Qajar Era. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2025; 17: e6.



مجله تاریخ پزشکی

دوره هفدهم، ۱۴۰۴



بررسی وضعیت بهداشت و سلامت در زندان‌های دوره قاجار

فاطمه احمدوند^{۱*} , اکبر حیدری^۱، افتخار قاسم‌زاده^۱^۱ گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بهداشت عمومی و سلامت و تحولات این حوزه از موضوعات مهم در تاریخ اجتماعی دوره قاجار است. این پژوهش با هدف بررسی وضعیت بهداشت عمومی و خدمات بهداشتی - سلامتی در زندان‌های عصر قاجار انجام شده است.

روش: این مطالعه با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد، سفرنامه‌ها و تحقیقات جدید، به بررسی وضعیت بهداشت و خدمات سلامت در زندان‌های دوره قاجار پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در فرایند پژوهش، اصول امانتداری، صداقت در استناد به منابع، اصالت منابع، و پرهیز از جانبداری در تحلیل داده‌ها رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که مکان زندان‌ها و معیارهای بهداشتی آن‌ها در دوره قاجار، چندان مورد توجه حکومت نبود. هدف اصلی زندان‌ها، شکنجه، تنبیه و انتقام از زندانیان بود و ابعاد تربیتی یا رعایت بهداشت در اولویت قرار نداشت. مرگ و میر بالای زندانیان ناشی از نبود بهداشت مناسب، فضای نامناسب (پر از شپش و موش) و عدم دسترسی به خدمات سلامت بود. این شرایط حتی برای زندانیانی که مأمور آزار زندانیان بودند، «آسودگی خاطر» محسوب می‌شد. بر اساس سفرنامه‌ها، زندانیان سال‌ها در شرایطی رقت‌بار زندگی می‌کردند؛ محرومیت از امکانات اولیه مانند تراشیدن ریش و مو و انتقال بیماری‌های خود به خانواده‌ها پس از آزادی، از پیامدهای این بی‌توجهی بود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش گویای ضعف شدید یا فقدان بهداشت عمومی و خدمات سلامت در زندان‌های قاجار است، هرچند بهداشت فردی به دلیل باورهای دینی در جامعه رواج داشت، اما نبود حمام در زندان‌ها، حضور حشرات موذی و شیوع بیماری‌ها، وضعیت ناگوار این محیط‌ها را تشدید می‌کرد. اسناد تاریخی و سفرنامه‌ها، شواهدی از ابتلای گسترده زندانیان به بیماری‌ها و بی‌توجهی حکومت به اصلاحات اساسی، حتی در اواخر دوره قاجار، ارائه می‌دهند.

واژگان کلیدی: بهداشت عمومی؛ سلامت؛ زندان؛ قاجار

نویسنده مسئول: فاطمه احمدوند؛ پست الکترونیک: ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Ahmadvand F, Heidari A, Ghasemzadeh E. Investigation of Health and Hygiene Conditions in Prisons during the Qajar Era. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2025; 17: e6.

مقدمه

۱. بیان مسأله: نهاد زندان با توجه به کارکردهای ویژه خود، همواره در نظام‌های اجتماعی اهمیت بالایی داشته، هرچند ساختار و عملکرد آن در طول تاریخ و جوامع مختلف متفاوت بوده است. در ایران دوره قاجار، از زندانی کردن به منظور مجازات مجرمان، دور کردن آنان از جامعه و حذف آن‌ها از صحنه سیاست استفاده می‌شد. زندان‌های این دوره به دو دسته دولتی و خصوصی تقسیم می‌شدند که هر کدام ساختاری متمایز داشتند. زندان‌های دولتی شامل انبارها و قلعه‌ها در شهرهای مختلف بود که بیشترین شمار زندانیان را در خود جای می‌دادند، در حالی که زندان‌های خصوصی به بازداشتگاه‌های موقتی اطلاق می‌شد که برخی مقامات حکومتی در خانه‌های شخصی خود ایجاد می‌کردند. شرایط زندگی زندانیان در هر یک از این زندان‌ها با توجه به جایگاه اجتماعی آن‌ها متفاوت بود، اما به طور کلی، وضعیت نگهداری نامناسب و محرومیت از حداقل حقوق اجتماعی، ویژگی مشترک همه آن‌ها به شمار می‌رفت.

در برهه‌هایی از دوره قاجار، تحت تأثیر آشنایی با ساختار حقوقی و نهاد زندان در غرب، نوآوری‌هایی پدید آمد که به تحولاتی در ساختار زندان‌ها و وضعیت زندانیان انجامید، از جمله، توجه به معیارهایی مانند شرایط بهداشتی زندان، سلامت زندانیان و مسائلی همچون تغذیه، پوشاک، معالجه پزشکی و حتی شیوه‌های بازجویی و شکنجه مورد توجه قرار گرفت. با این حال، زندانیان این دوره همچنان با شرایط نامساعد و نقض گسترده حقوق اجتماعی رو به رو بودند. در همین دوران، برخی فعالان سیاسی و مصلحان اجتماعی با الهام از اندیشه‌های روشنفکرانه اروپایی، پیشنهادهایی برای بهبود شرایط زندان‌ها مطرح کردند، اما این طرح‌ها هرگز به مرحله اجرا نرسید. پیش از جنبش مشروطه، اگرچه اصلاحاتی در حوزه‌های فکری و اجتماعی انجام شد، اما بیشتر معطوف به مسائل اقتصادی و سیاسی بود تا اینکه در دوره صدارت میرزا حسین خان سپهسالار (صدراعظم ناصرالدین‌شاه)، با رویکردهای اصلاح‌طلبانه او، موضوعاتی مانند بازسازی نهاد

زندان، اصلاح نظام حقوقی و ارتقای بهداشت زندانیان مورد توجه جدی‌تری قرار گرفت.

با وجود پراکندگی داده‌های تاریخی درباره بهداشت و سلامت در زندان‌های دوره قاجار، اسناد و منابع این دوره حاوی اطلاعات ارزشمندی در این زمینه است. از آنجا که تاکنون پژوهش جامعی درباره این موضوع انجام نشده، این مطالعه می‌کوشد با بررسی وضعیت بهداشت زندان‌ها و سلامت زندانیان، شکاف موجود در ادبیات تاریخی این دوره را پر کند.

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق: بررسی زندان‌های دوره قاجار به عنوان یک نهاد اجتماعی، می‌تواند شیوه اداره این نهاد، کارکردهای اجتماعی آن، وضعیت نگهداری زندانیان و همچنین بهداشت محیط زندان و سلامت زندانیان را روشن سازد. موضوع «انسان» و برداشت‌های مرتبط با آن، چگونگی شکل‌گیری حقوق کیفری و نظام مجازات را تعیین می‌کند که برای درک و تحلیل رفتارهای حکومت قاجار در قبال بهداشت زندانیان، ضرورت دارد در بافت تاریخی - اسلامی این دوره واکاوی شود. افزون بر این، با توجه به نبود پژوهش‌های جامع و مستند درباره وضعیت بهداشت زندان‌ها و سلامت زندانیان در عصر قاجار، بررسی این موضوع می‌تواند زوایای پنهان جامعه آن دوران را آشکار کند. این پژوهش با تأکید بر ضرورت توجه به زندان‌ها می‌کوشد روندها، قواعد و رویه‌های تاریخی شکل‌گرفته در این حوزه را استخراج و موقعیت زندانیان در جامعه قاجار را بازخوانی کند. چنین تحلیلی نه تنها به درک چگونگی شکل‌گیری برداشت‌ها و داوری‌های اجتماعی درباره زندان کمک می‌کند، بلکه با ارائه تصویری روشن از گذشته، می‌تواند به بهبود نهاد زندان و اصلاح رویکردهای مرتبط با زندانیان در جامعه معاصر ایران نیز یاری رساند.

۳. پیشینه تحقیق: وضعیت بهداشتی نهاد زندان در پژوهش‌های تاریخی کمتر مورد توجه قرار گرفته و ابهام‌های فراوانی پیرامون آن وجود دارد، به گونه‌ای که نیاز به مطالعه، واکاوی و ارزیابی منابع در این زمینه کاملاً محسوس است. از میان منابع محدودی که به موضوع بهداشت زندان‌ها و زندانیان دوره قاجار پرداخته‌اند، می‌توان به کتاب «ایران و

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که مکان زندان‌ها و معیارهای بهداشتی آن‌ها در دوره قاجار، از سوی حکومت مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود. هدف اصلی این نهاد، شکنجه، تنبیه و انتقام‌گیری از زندانیان بود، نه پرورش ابعاد تربیتی یا رعایت بهداشت محیط زندان. مرگ و میر بالای زندانیان نیز ناشی از عوامل متعددی همچون نبود بهداشت عمومی، عدم دسترسی به خدمات سلامت، فضای نامناسب و شیوع بیماری‌های ناشی از شپش و سایر آفات بود. جالب آنکه این شرایط اسفبار، حتی برای زندانبانانی که مأمور آزار و شکنجه زندانیان بودند، نوعی «آسودگی خاطر» به شمار می‌رفت! سفرنامه‌های باقیمانده از آن دوران، گواهی مستند بر وضعیت رقت‌بار زندانیان است که سال‌ها حتی از تراشیدن ریش و مو محروم بودند و نهایتاً با جسمی نحیف و بیمار به آغوش خانواده‌هایشان بازمی‌گشتند. این بازگشت، گاه به شیوع بیماری در میان خانواده‌ها و جامعه منجر می‌شد.

بحث

۱. مفهوم و ساختار زندان در دوره قاجار: «زندان»، «سلول» یا «محبس» در لغت، مکانی است که متهمان و محکومان در آنجا نگاه داشته می‌شوند (۱). هدف از زندانی کردن مقصران و مجرمان در گذشته، دور کردن آن‌ها از جامعه بود. یکی از رساله‌های دوره مظفری^۱ اصلاح و تربیت مقصران را جزء کارکردهای حبس دانسته و لزوم به کارگماشتن زندانیان را طی دوره حبس متذکر گردیده است (۲). در تعریف زندان آمده است: «محلّی برای بازداشت و نگهداری مجرمین به منظور مجازات و یا اصلاح آن‌ها» (۳). در دنیای کنونی و بر اساس توضیح سازمان زندان‌ها، واژه زندان به معنی مکانی است که در آن متهمان و محکومان برای مدت مشخص، به

قضیه ایران» اثر لرد کوزن (Lord Curzon) (سیاست‌مدار انگلیسی) اشاره کرد که صرفاً در چند سطر کوتاه به این مسأله پرداخته است. اثر دیگر، کتاب «تاریخ زندان در عصر قاجار و پهلوی» نوشته ناصر ربیعی و احمد راهرو خواجه است که اگرچه جنبه‌های سیاسی و اجتماعی زندان را بررسی کرده، اما توجهی ناچیز به وضعیت بهداشت و سلامت زندانیان داشته است. در همین راستا، کتاب «فرایند ساخت‌یابی نهاد زندان» و مقاله «تحلیلی بر ساختار زندان پیشامدرن و مدرن (نمونه پژوهشی: انبار تهران و زندان قصر)» اثر یعقوب خزایی، فرایند تحول زندان‌ها در اواخر دوره مشروطه و پهلوی اول را تحلیل کرده‌اند، اما بهداشت زندان تنها به عنوان بخشی فرعی و حاشیه‌ای در تأیید روند کلی تغییرات مطرح شده است. همچنین پایان‌نامه «زندان و زندانی در دوره قاجار از آغاز تا مشروطه (۱۳۲۴-۱۲۰۹ ق.)» اثر فاطمه عباسی تودشکی، با تمرکز بر ساختار زندان‌ها، حقوق زندانیان و نقش این نهاد در اصلاح ناهنجاری‌های اجتماعی، به طور مشخص به موضوع بهداشت و سلامت زندان‌ها نپرداخته است.

روش

در این پژوهش، از داده‌های منابع تاریخی دست اول، سفرنامه‌ها و مطالعات جدید مرتبط با موضوع بهداشت و سلامت زندانیان در دوره قاجار استفاده شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و با گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای طراحی شد تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که وضعیت بهداشت در زندان‌ها و سلامت زندانیان دوره قاجار چگونه بود؟ در همین راستا، ابتدا با واژگان کلیدی بهداشت، سلامت، تحولات، زندان، زندانیان و قاجار، منابع موجود مورد بررسی قرار گرفت و از داده‌های مناسب فیش‌برداری شد، سپس مطالب مفید و کاربردی در خصوص بهداشت و سلامت در زندان دوره قاجار، طبقه‌بندی شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج نهایی به صورت فایل متنی آماده‌سازی و تدوین یافت.

طور موقت و یا به صورت دائمی با حکم کتبی یا قرار مقامات قضایی با هدف اصلاح و تربیت و درمان نارسایی‌ها و بیماری‌های اجتماعی و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند. واژه حبس که در فرهنگ دادرسی به معانی بازداشت، زندان و نگه‌داشتن آمده (۴)، در فرهنگ لغت به معنای بازداشتن و مکان بازداشت است و در متون دینی و منابع فقهی نیز به همین معنا به کار رفته است. حبس در فقه و حقوق مجازاتی است برای بازداشتن مجرم یا متهم یا تبهکار از تصرف در برخی امور خویش و ایجاد محدودیت برای او. مفهوم حبس اعم از زندان است و با شیوه‌هایی مانند نگه‌داشتن فرد در منزل یا همراه‌بودن مداوم نگهبان مدعی با وی نیز تحقق می‌یابد (۵). «زندان، سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود است؛ به طوری که در آن، حالت انتظار و ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد، آن را توقیف گویند» (۶). واژه حبس در فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار در دو معنی زندانی‌کردن و یا زندانی‌شدن، در زندان به سربردن و محل نگهداری مجرم آمده است (۷). با این همه زندان بارزترین و کامل‌ترین مصداق حبس و واجد همه ویژگی‌های آن است. در منابع تاریخی دوره قاجار بیشتر از واژه‌های زندان، حبس و یا محبس به عنوان محلی برای نگهداری افراد محکوم استفاده شده است، اما در برخی منابع واژه‌هایی نظیر دوستاق^۱، فراش‌خانه^۲ (۸)، قیدخانه^۳، حبس‌خانه^۴، زنجیرخانه^۵ و سجن^۶ در همین معنی و با همین کاربرد مورد استفاده قرار گرفته است.

پدیده زندان در ایران از پیشینه بسیار طولانی برخوردار است. در دوره صفویه و قاجاریه زندان وسیله‌ای برای سلب آزادی افراد و توجه به بهبود و اصلاح اخلاقی مجرم بود. زندان‌ها در ادوار مختلف تاریخی از کارکردهای متفاوتی برخوردار بودند. زندانیان را بر حسب اتهامات مختلفی که مرتکب شده بودند، در اتاق‌هایی سکونت می‌دادند. در دوستاق‌ها (سیاه‌چال) چنین اتفاقاتی تعریف نشده بود و رسم بر این بود که محبوسین را درون ساختمانی مسقف و وسیع کنار هم قرار بدهند، اما در زندان‌های مدرن از مجموعه چند سلول یک بند تشکیل

می‌شد و هر زندان چند بند مختلف داشت. زندانیان در این سلول‌ها و بندها با توجه به سن، نوع جرم (عادی یا سیاسی)، شرایط حقوقی (متهم یا مجرم‌بودن) و یا موارد دیگر تقسیم‌بندی می‌شدند. سلول‌ها به گونه‌ای بود که مانع تعامل و ارتباط زندانیان با همدیگر و نیز محدودیت مجرم می‌گردید. فرآیند تفکیک سلول‌ها امتیازات زیادی به دنبال داشت. به عنوان مثال اجتناب از شیوع امراض مسری، یعنی در صورتی که مجرمی مبتلا به بیماری می‌شد، با جداسازی وی مانع سرایت بیماری به سایرین می‌شدند. مزیت دیگر این بود که همکاری زندانیان برای مواردی همچون شورش، فرار از زندان و... به دلیل حبس‌بودن در سلول‌ها با محدودیت و مانع مواجه می‌شد. به علاوه برای برقراری نظم و انضباط و تنظیم روابط جمعی اهمیت زیادی داشت. به قول میشل فوکو (Michel Foucault) با ساماندهی «مکان‌ها»، «سلول‌ها» و «ردیف‌ها»، هم از منظر معماری و هم از لحاظ کارکردی، محیط‌های درهم‌بافته‌ای را ایجاد می‌کردند و استقرار پایدار را امکان‌پذیر می‌ساختند و در نتیجه این عمل، اطاعت و انقیاد مجرمان از طریق جای‌گیری در مکان‌های معین تضمین می‌شد. برای هر سلول در زندان شماره مخصوصی تعیین شده بود که با آن، زندانی تازه‌وارد شناخته می‌شد. به عنوان نمونه سلول شماره ۱۲۷ در زندان قصر محبس نصرت‌الدوله بود (۹). بنابراین یکی از نشانه‌های وجه تمایز و تشخیص زندانیان از یکدیگر همین شماره‌گذاری سلول‌ها بود. به طور معمول مساحت هر سلول یک متر و نیم در دو متر و نیم بود و برای هر زندانی درون هر سلول، یک تخت خواب قرار داشت که نیمی از فضای آن را به طور تقریبی اشغال کرده بود. هر سلول ظرفیت پذیرش سه زندانی را داشت که کف سیمانی آن را با زیلویی فرش کرده بودند. در قسمت پایین سلول‌های زندان قصر پنجره‌هایی قرار داشت، اما زمانی که ناصرالدین‌شاه برای دیدار از محبس رفته بود، حکم کرد که این پنجره‌ها را در قسمت بالاتری قرار دهند تا مانع از تماشای محوطه توسط زندانیان شوند و محبوسین با احساس بسته‌تربودن فضای سلول بیشتر عذاب ببینند (۱۴). بر روی درب همه سلول‌ها روزنه‌ای لوزی‌شکل ایجاد گردیده

۲- انواع زندان‌های قاجار: زندان‌های عصر قاجار را می‌توان به دو نوع تقسیم بندی کرد:

۱-۲. زندان‌های خصوصی: شامل بازداشتگاه‌های موقتی بودند که برخی صاحب‌منصبان حکومتی مانند نایب‌السلطنه، داروغه، کلانتر و کدخدا در منازل شخصی خود دایر می‌کردند. این مکان‌ها برای نگهداری موقت متهمان تا زمان صدور حکم نهایی توسط محاکم عرف یا شرع استفاده می‌شد.

۲-۲. زندان‌های حکومتی: خود به دو دسته تقسیم می‌شدند: ۱- دژهای دور از مرکز که مخصوص نگهداری زندانیان سیاسی در قلعه‌هایی خارج از مراکز قدرت بودند؛ ۲- زندان‌های استانی که زیر نظر مستقیم حاکمان محلی و نایب‌الحکومه‌های هر منطقه اداره می‌شدند.

در هر دو نوع زندان، امکاناتی مانند تأمین غذا، پوشاک، مراقبت از اموال و درمان - هرچند محدود - در اختیار زندانیان قرار می‌گرفت. با این حال، محبوسان با محدودیت‌های شدیدی از جمله زنجیر کردن، ممنوعیت نامه‌نگاری و اعمال شکنجه مواجه بودند. نکته قابل توجه، تفاوت در تأمین معاش زندانیان بر اساس جایگاه اجتماعی آنان بود: دولت معمولاً برای زندانیان عادی بودجه‌ای جهت تغذیه آنان اختصاص نمی‌داد، در نتیجه بسیاری از محبوسان به دلیل نداشتن درآمد، با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کردند (۲۰)، اما روزانه مبلغی برای خوراک زندانیان بلندپایه در نظر گرفته می‌شد و حتی آشپزی مخصوص به آن‌ها اختصاص می‌یافت. با این حال، حتی این بودجه دولتی نیز کفایت نمی‌کرد و گاه دستوراتی از پایتخت برای تشدید محدودیت‌های غذایی صادر می‌شد (۲۱). وضعیت نابسامان زندانیان به ویژه در دوره‌های انتقال قدرت حاکمان ایالات آشکار بود. با تغییر حاکم هر منطقه، عدم تعیین مسئول مشخص برای تأمین هزینه‌های زندان، حتی به قطع وعده ناهار محبوسان می‌انجامید (۲۲). این محرومیت غذایی تنها به تغییر حاکمان محدود نبود و در بحران‌هایی مانند شیوع بیماری‌های واگیر یا قحطی، سهمیه غذایی زندانیان به حداقل می‌رسید: تخصیص دو قرص نان در روز برای هر زندانی و یا تکه نانی خشک با کوزه‌ای آب به عنوان

بود که تنها از قسمت بیرونی درب باز و بسته می‌شد. پاسبان‌ها از طریق این روزنه امکان دیدزدن داخل سلول‌ها را داشتند، لذا طبق وظیفه اغلب اوقات داخل سلول را مشاهده می‌کردند و اگر اقدامی برخلاف مقررات توسط زندانی صورت می‌گرفت، گزارش می‌دادند (۱۵). در مقابل محبوسین هم در زمان ارتکاب اعمال خلاف مقررات، پیوسته به دریچه روی در سلول نگاه می‌کردند که مبادا نگهبان سر برسد و متوجه شود و در صورت آمدن نگهبانان، به سرعت آلات ممنوعه مانند کاغذ و شطرنج را مخفی و خود را جمع و جور می‌نمودند.

به طور کلی زندان قصر دارای ساختاری مدرن بود و از انبارها گسست داشت (۱۶). سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود، این است که آیا میان طرح «سراسربین (Panopticon)» و زندان قصر مشابهتی می‌توان قائل شد؟ در توصیف معماری سراسربین، میشل فوکو (Michel Foucault) می‌نویسد: «برجی در مرکز و ساختمانی دایره‌ای شکل در اطراف آن قرار داشت که پنجره‌های بسیار بزرگی در نمای داخلی خود داشت. ساختمان پیرامونی از سلول‌هایی تشکیل می‌شد که عرض کامل بنا را دربر می‌گرفتند. هر سلول دارای دو پنجره بود: یکی به سمت بیرون که نور طبیعی را تأمین می‌کرد؛ دیگری رو به برج مرکزی زندان که امکان مشاهده مداوم را فراهم می‌کرد. این معماری با سازماندهی فضایی هم‌مرکز، شناسایی فوری و نظارت بی‌وقفه را ممکن می‌ساخت. در این طرح، اصل سلول تاریک وارونه شده بود و از سه کارکرد اصلی آن (محرومیت از نور، پنهان‌سازی و حبس) تنها مورد اول حفظ شده و دو کارکرد دیگر حذف گردیده بود» (۱۷). بنتام (Bentham) معتقد بود در زندان سراسربین، ناظر می‌تواند به راحتی حضور همه زندانیان را در هر لحظه به وضوح مشاهده کند (۱۸). بنابراین طراحی این زندان‌ها به گونه‌ای بود که امکان نظارت هم‌زمان بر تمامی محبوسان را فراهم می‌ساخت. در مقابل، زندان قصر فاقد ویژگی‌های سراسربین بنتام از جمله طرح حلقوی، برج مرکزی و سلول‌های مجزا بود، هرچند سلول‌های انفرادی میله‌دار با حذف حریم خصوصی زندانیان، امکان اعمال نظارت دقیق را ایجاد می‌کردند (۱۹).

شامل بخش‌های مردانه، زنانه و بازداشتگاه موقت (۲۷). محبس نمره ۱ (محبس تاریک) مخصوص مجرمان خطرناک و محل اعتراف‌گیری از متهمان بود. خلیل ملکی، در توصیف آن آورده است: «برای زندان، قسمت کریدور پنج آنکه سوییسی‌ها به عنوان سالن سینما و اجتماعات تأسیس نموده بودند، اساساً دره سقوطی بود که زندانیان سیاسی را برای شدیدترین مجازات به آن انتقال می‌دادند. این بخش از زندان محل حبس جیب‌برها، قاتلان و چاقوکش‌ها نیز بود» (۲۸). محبس نمره ۲ مخصوص بازداشت‌شدگان بلا تکلیف یا کسانی که اتهامشان اثبات نشده، بود. به گفته دشتی که مدتی را در زندان‌های تهران بازداشت بود، بعدها در زندان مدرن این رویه عوض شده بود و محکومین و مظنونین نوجوانی که سن آن‌ها از پانزده سال تا هیجده سال تمام بود را در یکی دیگر از انواع بازداشتگاه‌های دارالتأدیب جدا از بزرگسالان حبس می‌کردند (۲۹).

همزمان با حاکمیت ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق.) لرد کروزن (Lord Curzon) سفیر انگلیس که از ایران دیدن کرده بود، در گزارش سفر خود که در کتاب مشهوری تحت عنوان «ایران و قضیه ایران» ثبت شده است، در مورد اوضاع زندان‌های ایران عصر قاجار چنین می‌نویسد: «مجازات حبس چندین ساله وجود خارجی ندارد و حتی حبس ابد نیز سابقه ندارد. از طرفی اعمال شاقه در زمره محکومیت‌ها قرار نمی‌گیرد. بازداشت‌کردن به مدت طولانی نیز در موارد اندک و معدودی انجام می‌شود. بازداشتگاه مجزا و مخصوص برای زن‌ها وجود ندارد، لذا زنان و نیز افراد صاحب مقام و منصب در منازل برخی مجتهدان توقیف می‌شوند. شنیده‌ام که در تهران سه نوع محبس وجود دارد؛ اولی در زیر زمین ارک یا قلعه نظامی قرار دارد و اینجور که پیداست مخصوص زندانیانی است که علیه حکومت با مخالفان هم‌دست شده و یا اعمال جنایت‌آمیزی انجام داده‌اند؛ دومی زندان شهر، که در آن زندانیان عادی از طبقات پایین جامعه را می‌توان دید که حلقه زنجیر بر گردن و گاهی نیز پا در کنده دارند و با زنجیر به همدیگر متصل شده‌اند؛ سومی بازداشتگاه خصوصی که اغلب

جیره روزانه (۲۳). در برخی زندان‌ها، دولت بودجه‌ای برای تغذیه اختصاص نمی‌داد و هزینه خوراک بر عهده خود زندانیان بود که می‌بایست به اجاره‌دار زندان پرداخت می‌کردند (۸). گاهی نیز برای تنبیه بیشتر، زندانیان را با زنجیر به گردن، پشت پنجره‌های زندان در معرض دید رهگذران قرار می‌دادند. این موقعیت به فرصتی برای گدایی تبدیل می‌شد و زندانیان با دریافت خشکبار، نان یا آجیل از مردم، گرسنگی خود را تسکین می‌بخشیدند. پیامد این سوءتغذیه مزمن، ضعف دستگاه گوارش و در مواردی از دست‌دادن توان هضم غذا در بیشتر زندانیان بود (۲۴).

تأمین پوشاک زندانیان عموماً در بودجه دولت مرکزی جایی نداشت. از این رو محبوسان برای تهیه لباس به خانواده‌های خود متکی بودند و معمولاً تنها با یک دست لباس روزگار می‌گذراندند، حتی هنگام استحمام نیز ناچار بودند همان لباس را بشویند و دوباره بپوشند. پوشاک برخی زندانیان به یک زیرپیراهن مندرس و پیراهن کرباسی پاره محدود می‌شد (۸). محکومانی که در انتظار اجرای حکم به سر می‌بردند، عمدتاً تنها یک پیراهن کرباسی، شلوار، قبای یمانی^۱ و کلاه نمدی داشتند که شب‌ها به عنوان روانداز استفاده می‌کردند. در حوزه بهداشت و درمان، در برخی زندان‌ها حکیم‌باشی (پزشک رسمی) حضور می‌یافت، اما در موارد حاد، بیمار را به مریضخانه منتقل می‌کردند. زندانیان حق گفتگو با پزشک را نداشتند و درمانگران داروها را به صلاحدید خود تجویز می‌کردند. در موارد خودکشی یا جراحت ناشی از درگیری، جراح‌باشی به اجبار به زندان فراخوانده می‌شد (۸). شرایط محیطی زندان‌ها با نور ناکافی و رطوبت بالا، به ویژه در دوره ناصرالدین‌شاه، بر دشواری اوضاع می‌افزود. این توصیفات، تصویری روشن از وضعیت غیربهداشتی زندان‌های عصر قاجار ارائه می‌دهد (۲۵-۲۶).

زندان‌های شهر تهران به دلیل موقعیت جغرافیایی و نظارت مستقیم حکومت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. پیش از احداث زندان قصر، این زندان‌ها شامل سه بخش اصلی می‌شدند: محبس نمره ۱، محبس نمره ۲ و زندان عمومی

نداشتند و تنها لوازشان یک رختخواب پارچه‌ای تیره، زیلوی کثیف و کوزه آب‌خوری سفالی بود. در محوطه بیرونی، حوض آبی قرار داشت که زندانیان موظف به تخلیه مداوم آن بودند. از نظر بهداشتی و اخلاقی، این بخش در سطح بسیار نازلی قرار داشت، به گونه‌ای که پوشش زندانیان تنها یک پیراهن کرباسی بود و اختلاط مجرمان بزرگسال با نوجوانان، زمینه‌ساز شیوع بیماری‌های جسمی و جنسی ناشی از تجاوزات می‌شد. افزون بر این، باورهای خرافی در میان زندانیان رواج گسترده‌ای داشت (۱۵).

سفرنامه‌های اروپاییان نیز بر شرایط بهداشتی نامناسب زندان‌های قاجار تأکید دارند. اورسل (Orsolle) در توصیف زندان‌های قاجار می‌نویسد: «روزی دزدی در حال ارتکاب جرم در سرچشمه - که مملو از گزمه‌های داخلی بازار بود - دستگیر شد. وقتی داروغه ثابت کرد یکی از کسبه از وزنه‌های تقلبی در ترازوی خود استفاده می‌کند، بلافاصله وی را به زندان متعفن منتقل کردند» (۳۱).

جرج کرزن (George Curzon)، وزیر خارجه انگلیس، نیز در توصیف زندان‌های عصر ناصرالدین‌شاه می‌گوید: «سجن محل مظلومان بود. فی‌الحقیقه دخمه تنگ و تاریک از افضل بود. چون وارد حبس شدیم، ما را داخل دالانی ظلمانی نمودند. از سه پله سراشیب گذشتیم و به مقری که معین نموده بودند رسیدیم. محل تاریک و معاصر ۱۵۰ تن از سارقان اموال و قاتلان نفوذ و قاطع آن طرق بود، اما با این جمعیت محل، منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم. اقلام از وصفش عاجز و روایح متعفن‌اش خارج از بیان و آن جمع اکثری بی‌لباس و فراش، الله یعلم ما ورد عینا فی ضالک المقام (خدا می‌داند که در آنجا چه بر ما گذشت)» (۳۰).

۲-۳. تغذیه نامناسب: در شهر مشهد شرایط زندان‌ها ترحم‌برانگیز و فوق‌العاده بد بود. از نظر تغذیه، با توجه به ناکافی بودن بودجه، زندانیان به سختی روزگار می‌گذراندند. محبوسانی که اعتبار مالی آن‌ها از هفتاد دینار تجاوز نمی‌کرد، از گرسنگی رنج می‌بردند، چراکه این مبلغ تنها هزینه شش سیر نان را پوشش می‌داد. تلفات انسانی نیز به دلیل ضعف

به اعزام و مأموران دولتی اختصاص دارد. با بررسی این زندان‌ها می‌توان ملاحظه کرد که میزان عدل و داد در ایران که در احکام قضایی قید می‌شود چگونه است. تحمیل نمودن کیفر و مجازات و زندانی شدن افراد تابع یک روند قاطع و سریع است و هیچ‌گاه بهبود و اصلاح اخلاقی مجرمان هدف مجازات برای حاکمان ایرانی نیست» (۳۰).

۳. وضعیت بهداشت و سلامت زندان‌ها

۱-۳. محیط نامناسب و شیوع انواع بیماری‌ها: در خصوص وضعیت بهداشتی زندان‌های دوره قاجار، می‌توان به خاطرات و روایت‌های نویسندگانی استناد کرد که در لا به لای آثار خود به این موضوع پرداخته‌اند. به عنوان مثال، محمدتقی بهار ملقب به ملک‌الشعرا (۱۳۳۰-۱۲۶۵ ش.) که خود تجربه حبس داشت، در این باره می‌گوید: «در فضای کم‌عرض زندان، زندانیان بیمار در مجاورت محبوسین سالم بودند. این مسأله نشان می‌داد مسئولان زندان توجهی به خطر شیوع بیماری‌ها نداشتند. برای نمونه، زندان مردانه شهر کرمانشاه گودالی کثیف و متعفن با مساحتی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ ذرع مربع بود. در این مکان، تمامی زندانیان اعم از مجرمان موقت یا دائم، مجردان، سیاسیون و دیگران بدون کمترین امکانات رفاهی، در شرایطی اسفبار و غیر بهداشتی روی زمین زندگی می‌کردند. این شرایط ناگوار تنها محدود به زندان‌های مردان نبود و زندان زنان نیز از اوضاع بهتری برخوردار نبود. زندان زنان در یکی از پنج دخمه دالان مرطوب دارالحکومه قرار داشت که اتاقی بیست تا سی ذرع مربع با تنها پنجره مشبک آهنی به راهروی عمومی بود. زندانیان از طریق همین روزنه با دنیای خارج ارتباط برقرار می‌کردند.

در تهران نیز پیش از تأسیس زندان قصر که شامل محبس‌های شماره ۱ و ۲ می‌شد، وضعیت بهداشتی اسفباری حاکم بود. محبس شماره ۱ که به «محبس تاریک» معروف و مخصوص جنایتکاران بود، فاقد نور و هوای آزاد بود. محبس شماره ۲ نیز شامل اتاق‌های کوچک و بی‌روزنه‌ای بود که هر کدام به یک زندانی اختصاص داشت و حتی دستشویی داخل سلول تعبیه شده بود. این دسته از زندانیان اجازه خروج از سلول را

روی کف نمور زندان می‌خوابیدند، بدون آنکه نور خورشید ببینند یا هوای تازه استنشاق کنند. غذای روزانه‌شان تنها یک تکه نان خشک و کوزه‌ای آب بود و فضای زندان آکنده از بوی تعفن سرداب‌ها بود (۳۳).

۳-۳. وضعیت استحمام: زندانیان عادی با مفهوم حمام کردن بیگانه بودند، اما زندانیان متنفذ یا سرشناس برای استحمام به حمام‌های عمومی شهر برده می‌شدند. با این حال، در زندان‌های مدرن‌تر، فضایی برای استحمام زندانیان ایجاد شد که در سیاه‌چال‌های قدیمی سابقه نداشت. به عنوان نمونه، علی دشتی در سال ۱۳۰۰ شمسی (۱۹۲۱ م.) که تجربه زندان در این دوره را داشت، روایت می‌کند: «به دلیل نبود حمام در زندان‌های نظمیه، دو آژان مسلح مأمور شدند تا مرا برای استحمام به حمام شهر ببرند. مدت‌ها بود که حمام نرفته بودم و نگاه‌های کنجکاو مردم در مسیر، آزارم می‌داد. در خزینه حمام نیز پاسبان‌ها همراهی‌ام می‌کردند، هرچند اسلحه‌شان را به گرم‌خانه نیاورده بودند» (۱۹).

این امکانات تنها به زندانیان سیاسی مشهور مانند دشتی اختصاص داشت و مجرمان عادی مانند دزدان حرفه‌ای یا قاتلان در زندان‌های عمومی، حق استحمام را به کلی از دست می‌دادند. در واقع، محرومیت از حمام به عنوان ابزاری برای تنبیه این زندانیان استفاده می‌شد. با این حال، پس از تأسیس زندان قصر، حمام‌هایی به سبک مدرن در این مجموعه ساخته شد که از معدود زندان‌های مجهز به امکانات شستشو در آن دوره محسوب می‌گردید. آب مورد نیاز این حمام‌ها از قنات‌های اطراف زندان قصر تأمین می‌شد، اما به دلیل عبور از مسیر سربازخانه، آلوده و غیر بهداشتی بود. همچنین، آب اختصاص‌یافته از قنات دارآباد - که تنها روزانه یک و نیم ساعت در هشت روز به زندان می‌رسید - برای شستشوی زندانیان، آبیاری باغ و دیگر مصارف کافی نبود. همین کمبود، به ویژه در فصل تابستان، زندانیان را با مشکل جدی مواجه می‌کرد (۲۶-۳۲). در نبود سیستم لوله‌کشی، آب زندان قصر مستقیماً از چشمه یا قنات به داخل زندان هدایت می‌شد. در حمام‌های این زندان، دو شیر آب سرد و گرم تعبیه شده بود

شدید سیستم بهداشتی زندان‌ها و بی‌توجهی به سلامت زندانیان، بسیار بالاتر از حد معمول بود.

ناظم‌الاسلام کرمانی در توصیف وضعیت بهداشت و تغذیه زندان‌های دوره قاجار می‌نویسد: «زندان اتاقی مرطوب و کثیف بود که در آن جز کنده (تخته‌ای برای بستن پای زندانیان)، زنجیر برای گردن و انبوه پشه، کک، شپش و ساس، چیزی یافت نمی‌شد. به هر زندانی در ۲۴ ساعت، تنها پنج سیر نان خشک و آب را هم به ندرت و به مقدار کم می‌دادند تا کمتر نیاز به تخلیه ادرار داشته باشند. در اواخر دوران ناصرالدین‌شاه، زندانبانی عاقل دو ابتکار به کار گرفت: یکی «کسب» و دیگری «نذر». کسب شامل ساخت وسایلی مانند گلوشر قلیان و افزار شتر و قاطر بود که روزانه حدود صد دینار درآمد داشت. نذر نیز شامل کمک‌های مردمی به زندانیان بود که گاه روزانه یک دیزی صد دیناری یا مقداری سیرابی به آن‌ها می‌رسید. این سنت نیکو هنوز در زندان جاری است» (۸).

کسروی نیز درباره وضعیت سلامت زندانیان می‌گوید: «به هر محبوس در وعده نهار و شام، گرده‌ای نان با خیار می‌دادند. روزانه زندانیان را هشت‌هشت نفر با زنجیر به گردن، دو بار به هواخوری می‌بردند، اما حتی این فرصت کوتاه نیز از آزار و شکنجه خالی نبود. ما جز یک زیرشلواری و پیراهن، لباس دیگری نداشتیم که پس از چند روز پوسیده و مندرس می‌شد. همه در وضعیتی اسفناک بودیم تا اینکه لقمان‌الملک با فرستادن لباس نو برای هر یک از ما، آبرویمان را حفظ کرد» (۳۲).

ویشارد (Wishard)، جهانگرد اروپایی، نیز در گزارش خود از وضعیت بهداشت زندان‌ها می‌نویسد: «به زندانیان غذاهایی نامناسب می‌دهند که اغلب غیر قابل خوردن است، حتی اگر مجبور به خوردن شوند، معده‌های ضعیف آن‌ها توان هضم غذا را از دست می‌دهد. چندین بار بیمارانی را به بیمارستان ما آوردند که بر اثر گرسنگی در آستانه مرگ بودند. بیشتر زندانیان تنها با کمک غذایی که دوستانشان می‌آوردند، زنده می‌مانند» (۲۴). افزون بر این، زندانیان در چنگال حشرات موذی گرفتار بودند و گرسنگی بر آن‌ها حکم‌فرما بود. آن‌ها

تحولات کشورهای غربی بود. از اوایل قرن هجدهم میلادی تغییراتی در نظام کیفری کشورهای غربی شکل گرفت و اصل انتقام اجتماعی در مجازات‌ها که به سلامت زندانیان بی‌توجه بود، جای خود را به فایده اجتماعی داد (۳۸).

فایده‌گرایی به عنوان شاخه‌ای از نتیجه‌گرایی در فلسفه اخلاق، بر پیامدهای کنش‌ها تأکید دارد. نتیجه‌گرایان در قضاوت اخلاقی خود در خصوص کنش، مبنای بر پیامدهای به بارآمده از رفتار قرار داده‌اند. رفتار درست به اعتقاد آن‌ها، کنشی است که برای نوع بشر بالاترین مزایا و فایده را به دنبال داشته باشد. جرمی بنتام، بنیان‌گذار این مکتب، فایده‌گرایی را چنین توصیف می‌کند: «هر ویژگی در یک چیز که به ایجاد سود، لذت، خیر یا خوشبختی ... یا جلوگیری از ضرر، درد، شر یا ناکامی بینجامد، برای ذی‌نفعان آن، مطلوب است.» اساساً منفعت‌گرایی نسخه‌ای از پیامدگرایی می‌باشد که نتایج به وجودآمده در هر رفتار را تنها معیار درست و نادرستی آن رفتار می‌داند. بنتام در کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری» می‌نویسد: «هدف قانونگذار باید تأمین حداکثر رفاه برای افراد باشد. از آنجا که شکنجه درد و رنج ایجاد می‌کند، ذاتاً شر است و تنها زمانی مجاز است که از شر بزرگ‌تری جلوگیری کند» (۳۹). منفعت‌گرایان معتقدند که صحیح و غلط‌بودن یک کنش یا رویه رفتاری را فقط از طریق سنجش و ارزیابی نتایج آن رفتار می‌توان تعیین نمود و در صورت به بارآمدن نتایج مثبت و مفید آن رفتار را درست و لازم می‌دانند، اگرچه منظور این دسته از نتایج مثبت، پیامدهایی می‌باشد که بیشترین میزان از منفعت را شامل شود و در مجموع کمکی برای تکوین بیشترین نفع و سعادت باشد. در مقابل، تفکر انتقام‌گرایی ریشه در سنت‌های کهن و وظیفه‌محور دارد و بر مجازات متناسب با جرم، بدون توجه به پیامدهای آن تأکید می‌کند. نمونه کلاسیک این نگرش، مجموعه قوانین حمورابی است (۴۰). در این نوع از تفکر، شکنجه‌شدن زندانی معنایی تحکم‌آمیز را به دنبال دارد و اصرار دارد هر انسان متهم و یا مجرمی بایستی عقوبت کارش را ببیند. در این دیدگاه که به طور خاص در آموزه‌های دینی

که آب را به حوضی در فضای باز منتقل می‌کرد و زندانیان مجبور بودند در همان حوض استحمام کنند. نحوه استحمام و زندگی زندانیان در این مکان از اهمیت بالایی برخوردار بود، چراکه نقش مستقیمی در سلامت یا بیماری آن‌ها داشت. جالب آنکه آماده‌سازی زندانیان برای استحمام، چنان با تشریفات همراه بود که گویی برای حضور در مراسمی رسمی مهیا می‌شدند (۳۴).

۳-۴. اوضاع درمانی: بر پایه برخی گزارش‌های تاریخی، در برخی زندان‌های دوره قاجار در صورت بروز بیماری، «حکیم‌باشی» برای معاینه به زندان اعزام می‌شد (۳۵). اگر بیماری شدت می‌گرفت، بیمار را به مریض‌خانه منتقل می‌کردند (۳۶). با این حال، زندانیان اجازه صحبت مستقیم با پزشک را نداشتند و حکیم‌باشی تنها با معاینه زبان و نبض، بیماری را تشخیص می‌داد و دارو تجویز می‌کرد، البته در بسیاری موارد، این داروها هرگز به دست بیمار نمی‌رسید. در زندان کلات، به دلیل آب و هوای نامساعد منطقه، بیشتر زندانیان به تب مبتلا می‌شدند، لذا «حکیم‌باشی کلات» داروی «گنه‌گنه» را تجویز می‌کرد که از اندرونی حاکم محل برای زندانیان ارسال می‌شد (۳۵). همچنین در صورت اقدام به خودکشی توسط زندانیان، جراح‌باشی برای مداخله فوری به زندان فراخوانده می‌شد (۳۷). اگر زندانی حین دستگیری مجروح یا هدف گلوله قرار می‌گرفت، جراح‌باشی موظف بود به سرعت به زندان مراجعه و او را درمان کند (۳۵).

۳-۵. تأثیر غرب بر سیاست‌گذاری دولت قاجار در بهبود وضعیت بهداشت و سلامت در زندان‌ها: بخش عمده‌ای از تحولات حوزه جرائم علیه امنیت در دوره قاجار، تحت تأثیر ارتباط حاکمان این دوره با غرب و الگوبرداری از نظام کیفری اروپا شکل گرفت. این ارتباط، مصادیق جدیدی از جرائم را به وجود آورد و نقش غرب در جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌ها را نشان داد. نظام کیفری ایران در این دوره، همچون جامعه، روندی از سنتی به مدرن را طی می‌کرد. هرچه از سال‌های ابتدایی حکومت قاجار به سال‌های پایانی نزدیک می‌شدیم، تغییراتی اساسی در این نظام رخ می‌داد که عمدتاً متأثر از

کیفری غرب بودند که با نفوذ آرای آن‌ها، به تدریج شاهد تأثیرپذیری نظام کیفری ایران از الگوهای غربی بودیم. تأثیر کشورهای غربی بر تحولات نظام کیفری ایران، نخست با تلاش آنان برای منع شکنجه در دوره محمدشاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق.) آغاز شد. این تلاش‌ها در نهایت به صدور فرمان منع شکنجه در سال ۱۲۶۲ قمری انجامید (۴۵). پس از به قدرت رسیدن ناصرالدین‌شاه، فشارهای مجدد روسیه و انگلیس موجب تجدید این فرمان شد. امیرکبیر، صدراعظم اصلاح‌طلب دوره ناصری، با تأکید بر ضرورت منع شکنجه، پس از مه‌ار نامی‌ها، فرمان مذکور را در ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۶ بار دیگر اعلام کرد. در ادامه میرزا حسین‌خان سپهسالار با ایجاد تشکیلات نوین عدلیه و پایه‌ریزی پزشکی قانونی، تحولی چشم‌گیر در نظام قضایی به وجود آورد. بر اساس این اصلاحات، پیش از رسیدگی قضایی، می‌بایست میزان جراحت افراد توسط پزشک نظمیّه یا پزشک معتمد بررسی و ثبت می‌شد. وی همچنین با وضع مقرراتی برای بهبود شرایط زندان‌ها و زندانیان، گامی بلند در ارتقای بهداشت این مراکز برداشت. این اقدامات، از مهم‌ترین مصادیق تحول در فرآیند مجازات‌ها بود. با انتصاب کنت دومونت فرت (Conte di Monteforte) به ریاست نظمیّه، این نهاد وارد مرحله جدیدی شد. در قانون‌نامه کنت، برای نخستین‌بار مدت مشخصی برای حبس زندانیان تعیین شد. دیگر اقدام او، بهبود وضعیت زندان‌ها از طریق اشتغال زندانیان در کارگاه‌های مختلف برای کسب مهارت و درآمد و همچنین ارتقای استانداردهای بهداشتی بود. این برنامه‌ها که برگرفته از نظام کیفری غرب طراحی شده بود، نقطه عطفی در تاریخ حقوق کیفری ایران محسوب می‌شد (۴۶).

نتیجه‌گیری

زندان در گذشته، صرفاً محلی برای نگهداری محکومان و مجرمان بود. با وجود پیشینه طولانی زندان در ایران، توجه چندانی به بهبود شرایط زندانیان یا محیط زندان نمی‌شد. در دوران پیش از اسلام، مجرمان به دلایل سیاسی، اجتماعی یا

مانند تورات و انجیل و به طریق اولی اسلام ریشه دارد، مجرم را با توجه به سابقه‌اش و نیز به واسطه اعمال بزهکارانه‌ای که انجام داده مستوجب عذاب و سزا می‌دانند. اساساً اقدام به عمل خلاف توسط فرد مجرم باعث مدیون شدن او به اجتماع انسانی که در آن زندگی کرده، می‌شود، لذا مجازات این شخص تنها راه‌حل برای ادای دین بزهکار است (۴۱).

سزاگرایی یا نتیجه‌گرایی در حوزه فلسفه اخلاق، ریشه در تفکر وظیفه‌گرایی دارد؛ بدین معنا که ملاک قضاوت درباره درستی یا نادرستی یک رفتار، خود وظیفه است، نه پیامدهای ناشی از آن. این نگرش، همان اعتقاد پایه‌ای سزاگرایان محسوب می‌شود (۴۲).

در این پژوهش، مهم‌ترین ویژگی تفکر پیامدگرایی با رویکرد اخلاق‌مدار، پیشینه‌گرایی آن ذکر شده است. این تفکر در سراسر دوره قاجار حاکم بود و تنها گاهی تحت تأثیر اندیشه‌های مدرن روشنفکران و سفرای اروپایی، فضای زندان‌ها اندکی تعدیل می‌یافت. اندیشه انتقام‌گرایی در تعیین و اجرای مجازات، صرفاً بر رفتار مجرمانه فرد تکیه دارد و به نتایج مثبت یا منفی ناشی از مجازات بی‌اعتناست. از دیدگاه این مکتب، مجرم به دلیل ارتکاب جرم، مستحق تحمل عواقب عمل خود است، چراکه اجرای عدالت، ذاتاً چنین اقتضایی دارد (۴۳). بر پایه این نگرش، مجرم باید پیامدهای اعمال خویش را - فارغ از نتایج خوب یا بد آن - تجربه کند تا عدالت اخلاقی در جامعه محقق شود. کیفر، خشن‌ترین شکل مداخله حکومت‌ها در محدودسازی آزادی‌های فردی و اجتماعی است. در دنیای باستان، حاکمان با تکیه بر برتری پیش‌فرض‌های اخلاقی - فلسفی، معمولاً سلیقه‌ای و خودسرانه به مجازات زیردستان اقدام می‌کردند. در مجموع، سزاگرایی (انتقام) با رویکردی پیشینه‌گرا و عدالت‌محور، در مقابل فایده‌گرایی قرار می‌گیرد و بر بازدارندگی، ترساندن، ناتوان‌سازی مجرم و اصلاح از طریق مجازات تأکید دارد (۴۴). اندیشمندانی مانند منتسکیو (Montesquieu)، بنتام، روسو (Rousseau) و بکاریا (Beccaria) از پیشگامان طرح فایده اجتماعی در نظام

افتخار قاسم‌زاده: تفحص و تحلیل جزئی، بهبود و تقویت مطالب استخراج‌شده از منابع و انجام اصلاحات، تنظیم و نگارش نهایی مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش این مقاله از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

پی‌نوشت

۱- صنیع‌الدوله، مرتضی قلی (خان خانان)، در رساله در اصلاح امور، در این باره آورده است: مقصود از زجر و بند، تربیت است... اشخاصی را که مستوجب حبس شده‌اند، باید در محبس تا اندازه‌ای که میسر است، تربیت کرد و اقلأً از بدتر شدن محفوظ داشت...، لهذا مقصرین را در مجلس کاری که حرفه ایشان باشد، معین کنند تا بدان اشتغال جویند (۲).

۲- همچنین دوستاق‌خانه، دستاق‌خانه، دوستاخ و دستاخ‌خانه، کلمه ترکی به معنی محل نگهداری افراد مجرم (۷).

۳- واژه فراشخانه در منابع، فراوانی بیشتری دارد. به عنوان نمونه دو کاربرد آن آورده می‌شود: «هر یک از فراش‌ها که از اشخاص مدعی‌علیهم قبول عذر و رشوت کند و در حاضر کردن آن‌ها تأخیر و تقاعد نماید، به حبس انبار فرآشخانه مبارکه

فرهنگی زندانی می‌شدند. از دوره حمله اعراب به ایران تا روی کارآمدن صفویه افراد را به دلایل مختلف و بر اساس نوع مجازاتی که برای آنان در نظر می‌گرفتند، یعنی شکنجه، دور کردن از اجتماع و کشتن تدریجی زندانی می‌کردند و حتی گاه زندانی کردن افراد جنبه انتقام‌جویی داشت. در دوره قاجار نیز زندان ابزاری برای سلب آزادی افراد محسوب می‌شد و توجهی به اصلاح اخلاقی مجرمان وجود نداشت. به همین دلیل، کارکرد زندان‌ها در ادوار تاریخی مختلف، متنوع و گاه متضاد بود. ساختار فیزیکی زندان‌ها نیز از سیاهچال‌های تاریک و مرطوب زیرزمینی تا اتاق‌های متروک و قلعه‌های واقع در مناطق مرزی و نامساعد آب و هوایی متفاوت بود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، ضعف یا نبود بهداشت در زندان‌های عصر قاجار آشکار بود، اگرچه بهداشت فردی به دلیل آموزه‌های دینی میان مردم رعایت می‌شد، اما نبود امکاناتی مانند حمام، وجود موش‌ها و حشرات موذی و تهویه نامناسب، باعث شیوع بیماری‌های گوناگون می‌شد. سفرنامه‌ها و منابع این دوره، گواهی بر شرایط غیر بهداشتی، ابتلای گسترده زندانیان به امراض و بی‌توجهی حاکمان به اصلاحات است. با وجود ظهور اندیشه‌های نوین در اواخر قاجار، همچنان تعداد زندان‌ها محدود بود و زندانیان در شرایط نامساعدی قرار داشتند، زیرا زندان صرفاً محلی برای شکنجه و انتقام از متهمان و هدف حکومت دور کردن ناراضیان مدعی از صحنه قدرت بود، حتی مرگ زندانیان گاه خوشایند حکومت تلقی می‌شد! هرچند در سال‌های پایانی این دوره، برخی تحولات مانند کاهش خودسری مقامات در زندان‌ها رخ داد، اما حق نهایی زندانی کردن افراد همچنان در اختیار پادشاه، به عنوان قدرت مطلق، باقی ماند.

مشارکت نویسندگان

فاطمه احمدوند: تفحص و تحلیل جزئی، بهبود و تقویت مطالب استخراج‌شده از منابع، نظارت و راهنمایی بر مقاله و ارائه نظرات اصلاحی.

اکبر حیدری: ارائه ایده موضوع و نگارش اولیه متن مقاله.

همایونی خواهند رفت» (۷). ناظم‌الاسلام در این خصوص گفته است: «حضرت نواب به سبب وفور جلالت شأن، به همان حبس نظر مؤدب شد و آخوند ملاحسین در فراشخانه همایون در زیر زنجیر چندی معذب آمد» (۸).

۴- واژه قیدخانه نیز به این صورت به کار رفته است: «و یکی از مشایخ دموخ بعد از چند هفته قید شبانه هنگام غلبه خواب به پاسبانان تنگستانی گردنش را از زنجیر بیرون آورده، مشایخ دیگر را نجات داده آهسته به کوچه درآمد، ولی پاسبانان خبردار شده تعاقب نمودند و همه را گرفته باز به قیدخانه بردند و زنجیر کردند» (۱۰).

۵- از حبس‌خانه نیز در برخی منابع استفاده شده است: «و جمعی از بزرگان آن اراضی را که با خود از در صدق نمی‌دانست میل درکشید و در حبس‌خانه بازداشت» (۱۱).

۶- زنجیرخانه به معنی محل نگهداری مجرمان در زنجیر و محبس آمده است (۷). در این باره آورده‌اند: «دیگر آنکه حضرت والا شعاع‌السلطنه حکم فرموده‌اند اشخاص مقصر که در زنجیرخانه دیوانی محبوس هستند همه روزه فراش آن‌ها را ببرد چهار بازار وکیل را با سایر بازارها جاروب کرده، پاک نمایند» (۱۲).

۷- به عنوان نمونه در افضل‌التواریخ آمده است: «عرض کردم که چند نفر فراش دیوانی همراه گماشتگان من بفرستید تا آن‌ها را آورده، فسادی ظاهر نشود. خلاصه، ده نفر فراش رفت و آن دو نفر را آورد، آن‌ها را در سجن بردند» (۱۳).

۸- قبا به معنای جامه و عبا و یمانی اسم منسوب به یمن است. کساء یمانی جامه و عبایی متعلق به پیامبر (ص) و بافت یمن بوده است. بافته‌های یمن در آن روزگار معروف و مشهور بوده است (۱).

References

1. Dekhoda AA. Dekhoda dictionary, prison entry. Tehran: Publication of Dekhoda Dictionary Institute; 1930. [Persian]
2. Sani al-Dawlah MG-H. Political messages of the Qajar era. Edited by Zargari Nejad GHH. Tehran: Publication of the Organization of Records and the National Library of the Islamic Republic of Iran; 2001. [Persian]
3. Islamic Revolution Literature Office. Encyclopedia of Political Prisons in the Pahlavi Era. Tehran: Soure Mehr; 2022. [Persian]
4. Karimi H. Judicial culture. Tehran: Farhang Islamic Publishing House; 1999. [Persian]
5. Encyclopedia of the Islamic World. Edited by Haddad Adel GHA. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation; 1983. [Persian]
6. Jafari Langroudi MJ. Legal terminology. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2018. [Persian]
7. Modaresi Y, Samei H, Safavi Mobarhan Z. Glossary of terms from the Qajar period, Qashoon and Nazmīyeh. Tehran: Cultural Researches Office; 2001. [Persian]
8. Kermani N. History of the Iranian Awakening. Tehran: Par Publications; 2012. [Persian]
9. Ettehadiyeh M, Saadvandian S. Nosrat al-Dawlah. Tehran: Publication of Iranian History; 2017. [Persian]
10. Afshar I. History Office: Collection of historical documents and sources. Tehran: Mahmoud Afshar Endowment Foundation; 2015. Vol.1. [Persian]
11. Sepehr MT. Nasekh al-Tawarikh. Edited by Behboodi MB. Tehran: Islamic Bookstore Publications; 1965. [Persian]
12. Saedi Sirjani AA. Vaghaye Ettefaghiyeh. Tehran: Asim Publishing; 1982. [Persian]
13. Afzal al-Molk GHH. Afzal al-Tawarikh. Edited by Ettehadiyeh M, Saadvandian S. Tehran: Publishing of Tarikh Iran; 1982. [Persian]
14. Tabari E. From meeting myself. Efforted by Shahrestani MA. Tehran: Baztab Negar Publications; 2003. [Persian]
15. Alevi B. Fifty three people. Tehran: Amir Kabir Publications; 1978. [Persian]
16. Abrahamian E. Confessions of the tortured. Translated by Sharifiha R. Sweden: Baran Publishing House; 2003. [Persian]
17. Foucault M. Care and punishment. Translated by Sarkhosh N, Jahandideh A. Tehran: Ney Publications; 2018. [Persian]
18. Capaldi N. Bentham, Mill and the School of Utilitarianism. Translated by Baghaie Makan M. Tehran: Iqbal Publishing House; 2013. [Persian]
19. Khazaie Y. The process of structuring the prison institution. Tehran: Agh Publications; 2016. [Persian]
20. Drouville G. Travel in Iran. Translated by Etamad Moghadadm M. Tehran: Shabaviz Publishing; 1991. [Persian]
21. Iqbal Ashtiani A, Jahangir M. Modern history (including events of the Qajar period) from 1240 to 1267 AH. Tehran: Science Publications; 2014. [Persian]
22. Sayyah Mahallati MA. Memories of Hajj Sayyah. Efforted by Sayyah H. Corrected by Golkar S. Tehran: Ibn Sina Publications; 1967. [In ersian]
23. Serena MC. Madame Carla Serena's Travelogue: People and Rituals in Iran. Translated by Saeidi AA. Tehran: Zovar Publishing House; 1984. [Persian]
24. Wishard J. Twenty years in Iran. Translated by Pirinya A. Tehran: Novin Publications; 1984. [Persian]
25. Houman A. Prison and prisoners. Tehran: Tehran University Printing House; 1960. [Persian]
26. Mehri H. Prison and its effects on prisoners and criminals. Annual legal and judicial research conference. Tehran: Radman Institute of Innovative Thinking; 2016. [Persian]
27. Bahar MT. A Brief History of Political Parties in Iran: The Extinction of the Qajar Dynasty. Tehran: Amir Kabir Publications; 1978. Vol.1. [Persian]
28. Maleki KH. Khalil Maleki's political memoirs. Tehran: Publishing Company; 1989. [Persian]
29. Dashti A. Prison days. Tehran: Asatir Publishing House; 2001. [Persian]
30. Curzon GN. Iran and the Iranian issue. Translated by Vahid Mazandarani GHA. Tehran: Scientific and Cultural Publication; 1994. [Persian]
31. Ursel E. Travelogue of the Caucasus and Iran. Translated by Saedi AA. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies; 2003. [Persian]
32. Kasravi A. Constitutional history of Iran. Tehran: Amir Kabir Publications; 1974. [Persian]
33. Shams A. Documents from prisons and prisoners in the Pahlavi era. Efforted by Karimian A, Zarini H. Tehran: Way of Education Publications; 2005. [Persian]

34. Jahanshahlou Afshar N. We and aliens. Tehran: Verjavand; 2001. [Persian]
35. Rabi'i N, Rahrow Khajeh A. History of the prison in the Qajar and Pahlavi eras. Tehran: Ghoghnoos Publications; 2011. [Persian]
36. Ministry of Foreign Affairs. Archives and Documents Research Department. Retrieval number 14-4-28. 1940. [Persian]
37. Ministry of Foreign Affairs. Archives and Documents Research Department. Retrieval number k18-p19-3. 1938. [Persian]
38. Aghaeinia H. Crimes against persons. Tehran: Mizan Publications; 2012. [Persian]
39. Bentham J. An Introduction to the Principles of Morals and Legislation. London: Oxford University Press; 1996.
40. Durant A, Durant WJ. History of Civilization: The Orient: Cradle of Civilization. Translated by Aram A, Arianpour A, Pashaei A. Tehran: Scientific and Cultural Publication; 2011. [Persian]
41. Cottingham J. Philosophy of Punishment. Translated by Mozaffari MR. Criticism Magazine. 1997; 3(12): 147-170. [Persian]
42. Thomas H. Encyclopedia of moral philosophy. Translated by God willing. Tehran: Soufia Publishing House; 2012. [Persian]
43. Rostami Tabrizi L, Kazemzare M. Analysis of the Publication of Conviction in Iranian Criminal Law from the Perspective of Criminal Philosophy. Criminal Law Research. 2013; 2(4): 137-165. [Persian]
44. Saffari A. Articles in Criminology and Criminal Justice. Tehran: Jungle Publications; 2012. [Persian]
45. Adamiyyat F. Amir Kabir and Iran. Tehran: Kharazmi Publishing House; 1983. [Persian]
46. Watson RG. History of Iran from the beginning of the 19th century to 1858 AD. Translated by Vahid Mazandarani GHA. Tehran: Amir Kabir Publications; 1978. [Persian]